



دستور کار مشترک تمرکز می‌کند. یعنی ایرانیان با وجود همه تفرق‌ها باید بتوانند با هم کار کنند. تشتت و افتراقی و چندگانگی‌هایی که وجود دارد عملاً ما را دچار نوعی فرسودگی می‌کند.

◀ یعنی شما معتقدید مساله از پولیتیک به سمت پالیسی حرکت کرده است؟
من می‌گویم که گفتمان‌های موجود مشخص است که چه می‌گویند. اگر بسته بندی را از دیدگاه من می‌خواهید، معتقدم مساله این است که ایرانی‌ها فراسوی اینکه چه گرایشی دارند آیا قادر خواهند بود بر سر یک پروژه و دستورکار مشترک توافق کنند و به یک اشتراک نظر برسند. چون دغدغه‌ها در گرایش‌های مختلف تا حدودی یکسان است. مساله کلیدی این است که اگر دغدغه ایران است آیا پیرامون این اولویت مشترک می‌شود یک دستور کاری را تعریف کرد که ایرانی‌ها اعم از اینکه چه گرایشی داشته باشند به یک اشتراک نظر و پروژه مشترک برسند که از طریق آن بتوانند کشور خود را بسازند و جایگاه خودشان را در نظم بین‌المللی تثبیت کنند. به نظر ما چالش اصلی است که گرایش مختلف پیرامون یک موضوع بتوانند یک دستور کار مشترکی را تعریف کنند.

◀ شما این را به عنوان یک دغدغه در نخله‌های مختلف می‌بینید یا فکر می‌کنید شکاف‌های باقی مانده و تعمیق شده از گذشته همچنان وجود دارد؟
واقعیت این است که خصلتی در جامعه و فضای سیاسی ایران همیشه وجود داشته که ایرانیان را در تعریف و شکل دادن به سازوکارهای تبدیل ایده به عمل دچار مشکل کرده است. بنابراین شما الان تقریباً هیچ موضوعی را نمی‌توانید پیدا کنید که ایرانیان در مقدمه با هم اشتراک نظر داشته باشند در ادامه که بحث می‌شود دچار اختراق و بریدگی نشوند.

◀ این مساله را دکتر کاتوزیان وقتی می‌خواهد مجلس اول را بررسی کند، تحت مفهوم فقدان سازش ملی صورت بندی می‌کند و آقای بشیریه با مفهوم فقدان همپذیری در موانع ساختاری دموکراسی در ایران این موضوع را مطرح می‌کند. برخی می‌گویند این دو ایده خیلی ذهنی و ارزشی هستند و به حوزه ایدئولوژی نزدیک هستند بنابراین بهتر است با واقعیت مواجه شویم و در مورد رانت‌های مولد و غیرمولد صحبت کنیم و راجع به سازوکار تقسیم منابع صحبت کنیم.

این ایده اغلب متمرکز بر ایده‌های فرهنگی و سیاسی است یعنی آن صحبت‌هایی که همیشه در مورد فرهنگ سیاسی ایرانیان و فردیت گرایی مخرب، مطرح می‌شود. آن ایده شاید در نگاه نخست خیلی جذاب به نظر برسد

وضعیت کنونی و چالش‌هایی دارم و یک راهی را باید طی کنم. یعنی دارم یک داستانی را تعریف می‌کنم. گفتمان‌ها هم برای ما داستان تعریف می‌کنند. یعنی ذیل هرگفتمانی یک داستان پرورنده میشود. داستانها گفته می‌شوند تا راه آینده را مشخص کنند. گفتمان‌های آزادی خواهی، دموکراسی و گفتمان ایران گرایانه، اسلام گرایانه و یا چپ گرایانه اینها هر کدام در تلاش هستند تا راهی را باز کنند. صداها در ایران همیشه ذیل این گفتمان‌ها مطرح می‌شده است. یعنی همان صداهایی که در طول تاریخ ما می‌شنیدیم در حال تکرار است. اینکه مشی تغییر کرده است برای ما مساله ایجاد نمی‌کند. نگاه برجسته ای که غالب می‌شود از دیدگاه من آن رویکردی است که بر

نوع جامعه ای می‌خواهیم داشته باشیم و ایرانی جایگاهش در مقیاس جهانی کجاست؟

◀ یکی از مسائلی که برای ایران امروز پرسیدم، این است که آینده ایران چه خواهد بود؟

ایران کجاست و چیست و جایگاهش چه است؟ چگونه ایران می‌تواند جایگاهی آبرومند در مقیاس جهانی داشته باشد. چطور ایرانیان می‌توانند در یک جامعه کنار هم محترمانه و با عزت زندگی کنند و احترامشان در نزد خودشان و در چشم انداز جهانی حفظ شود. این دغدغه که ایران در چشم جهانیان محترم باشد وجود دارد. اگر من بخواهم بسته بندی و دسته بندی کنم این است که ایران چگونه می‌تواند در چشم دیگران و در چشم خودش به عنوان کشور و موجودیتی محترم تبدیل شود و جایگاهی در خور خودش در عرصه جهانی بازی کند. این را می‌توانیم بگوییم که دغدغه محوری است که هر یک به زبانی داریم به آن فکر می‌کنیم. به این سوالات پاسخ‌های متفاوتی داده شد. قانونگرایی و نهضت مشروطه یک پاسخ بود اقتدارگرایی پهلوی اول و دوم و سلطانیسم هم یک پاسخ بود. مدرنیزاسیون آمرانه یک پاسخ بود.

◀ در پاسخ به سوالات مشترکی که از دوران عباس میرزا مطرح است پاسخ‌های متفاوتی وجود دارد. قانونگرایی، نهضت مشروطه، نظم، مدرنیزاسیون آمرانه و جمهوری اسلامی از جمله پاسخ‌های موجود است که یک عده می‌گویند اصلاح طلبی و برخی دیگر انقلابیگری را مطرح می‌کنند. شما چه پاسخ‌هایی برای این درک مشترک می‌شنوید؟

زمانی که یک گفتمان پرورش داده می‌شود در یک داستان گفته می‌شود. من یک گذشته،



مساله این است که ایرانی‌ها فراسوی اینکه چه گرایشی دارند آیا قادر خواهند بود بر سر یک پروژه و دستورکار مشترک توافق کنند و به یک اشتراک نظر برسند. چون دغدغه‌ها در گرایش‌های مختلف تا حدودی یکسان است. مساله کلیدی این است که اگر دغدغه ایران است آیا پیرامون این اولویت مشترک می‌شود یک دستور کاری را تعریف کرد که ایرانی‌ها اعم از اینکه چه گرایشی داشته باشند به یک اشتراک نظر و پروژه مشترک برسند که از طریق آن بتوانند کشور خود را بسازند و جایگاه خودشان را در نظم بین‌المللی تثبیت کنند